



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلت علیهم الصلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

زندگانی

چهارده معصوم علیهم السلام

شاخه ای از شجره نامه

سادات علوی و حسینی

محمد علوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام نگرشی مختصر بر زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام (بخش امام صادق علیه السلام)

نویسنده:

محمد علوی

ناشر چاپی:

نغمات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
زندگانی چهارده معصوم : نگرش مختصری بر زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام به ضمیمه شاخه‌ای از شجره نامه سادات علوی و حسینی	۶
مشخصات کتاب	۶
تولد امام جعفر صادق	۶
خلفاء معاصر آن حضرت	۶
عظمت علمی امام صادق	۷
دانشگاه بزرگ جعفری	۷
رساله‌ی توحید مفضل	۸
وسعت دانشگاه امام صادق	۹
مناظره‌ی امام صادق با ابوحنیفه	۹
دو نمونه از الطاف امام جعفر صادق	۱۰
شهادت آن حضرت	۱۱
فرزندان امام صادق	۱۱
از سخنان آن حضرت	۱۱
پاورقی	۱۳
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان	۱۴

زندگانی چهارده معصوم : نگرش مختصری بر زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام به ضمیمه شاخه‌ای از شجره نامه سادات

علوی و حسینی

مشخصات کتاب

سرشناسه : علوی، محمد، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام : نگرش مختصری بر زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام به ضمیمه شاخه‌ای از شجره نامه سادات علوی و حسینی / محمد علوی.

مشخصات نشر : قم : نغمات ، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۷۰۴ ص.

شابک : ۶۵۰۰۰ ریال ۴-۱۵-۸۳۷۱-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۳۵۰۰۰ ریال : چاپ اول : ۹۷۸۹۶۴۸۳۷۱۱۵۴

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ دوم)

یادداشت : چاپ اول : ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : عنوان روی جلد : نگرشی مختصر بر زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام به ضمیمه شاخه‌ای از سادات علوی و حسینی.

یادداشت : کتابنامه : ص. [۶۸۷] - ۷۰۴ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : نگرشی مختصر بر زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام به ضمیمه شاخه‌ای از سادات علوی و حسینی.

موضوع : سادات (خاندان) -- نسبنامه

موضوع : چهارده معصوم -- سرگذشتنامه

موضوع : ائمه اثنا عشر -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره : BP۳۶ع/۱۳۳۹ از ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۵-۱۸۳۶۱

تولد امام جعفر صادق

ولادت باسعادت امام جعفر صادق علیه السلام در روز دوشنبه هفدهم ماه ربیع الاول سال ۸۲ یا ۸۳ از مادری به نام فاطمه مسماء به ام‌فروه بنت قاسم بن محمد بن ابی‌بکر در مدینه منوره متولد شد، که سالروز تولد جدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز هست. امام در مورد مادرشان فرمودند: «کانت امی ممن آمنت و اتقت و احسنت و الله يحب المحسنين». سه جمله‌ی ایمان و تقوی و احسان که از بالاترین اوصاف یک انسان کامل است در مادرم جمع است، مثلاً قاسم یکی از فقهای سبعی مدینه بوده. وجه اینکه لقب صادق به آن حضرت داده‌اند این است که: از فرزندان آن حضرت شخصی است به نام جعفر که به دروغ دعوای امامت می‌کند (این را امام سجاد علیه السلام فرمود). [۱].

خلفاء معاصر آن حضرت

۱. هشام بن عبدالملک (۱۲۵ - ۱۰۵ ه. ق). ۲. ولید بن یزید بن عبدالملک (۱۲۶ - ۱۲۵). ۳. یزید بن ولید بن عبدالملک (۱۲۶). ۴. ابراهیم بن ولید بن عبدالملک (۷۰ روز از سال ۱۲۶). ۵. مروان بن محمد مشهور به مروان حمار (۱۳۲ - ۱۲۶). [صفحه ۴۰۷] و از میان خلفای عباسی نیز معاصر بود با: الف) عبدالله بن محمد مشهور به سفاح (۱۳۷ - ۱۳۲). ب) ابوجعفر مشهور به منصور دوانیقی (۱۵۸ - ۱۳۷).

عظمت علمی امام صادق

در باب عظمت علمی امام صادق علیه السلام شواهد فراوانی وجود دارد و این معنا مورد قبول دانشمندان تشیع و تسنن است. فقها و دانشمندان بزرگ در برابر عظمت علمی آن حضرت سر تعظیم فرود می آوردند و برتری علمی او را می ستودند. «ابوحنیفه»، پیشوای مشهور فرقه‌ی حنفی، می گفت: من دانشمندتر از جعفر بن محمد ندیده‌ام. [۲]. نیز می گفت: زمانی که «منصور» (دوانیقی) «جعفر بن محمد» را احضار کرده بود، مرا خواست و گفت: مردم شیفته‌ی جعفر بن محمد شده‌اند، برای محکوم ساختن او یک سری مسائل مشکل را در نظر بگیر. من چهل مسئله مشکل آماده کردم. روزی منصور که در «حیره» بود، مرا احضار کرد. وقتی وارد مجلس وی شدم، دیدم جعفر بن محمد در سمت راست او نشسته است. وقتی چشمم به او افتاد آن چنان تحت تأثیر ابهت و عظمت او قرار گرفتم که چنین حالی از دیدن منصور به من دست نداد. سلام کردم و با اشاره‌ی منصور نشستم. منصور رو به وی کرد و گفت: این ابوحنیفه است. او پاسخ داد: بلی می شناسمش. سپس منصور رو به من کرده گفت: ای ابوحنیفه! مسائل خود را با ابوعبدالله (جعفر بن محمد) در میان بگذار. در این هنگام شروع به طرح مسائل کردم. هر مسئله‌ای می پرسیدم، پاسخ می داد: عقیده‌ی شما در این باره چنین و عقیده‌ی اهل مدینه چنان و عقیده‌ی ما چنین [صفحه ۴۰۸] است. در برخی از مسائل با نظر ما موافق، و در برخی دیگر با اهل مدینه موافق و گاهی، با هر دو مخالف بود. بدین ترتیب چهل مسئله را مطرح کردم و همه را پاسخ گفت. ابوحنیفه به اینجا که رسید با اشاره به امام صادق علیه السلام گفت: دانشمندترین مردم، آگاهترین آنها به اختلاف مردم در فتاوا و مسائل فقهی است. [۳]. «مالک»، پیشوای فرقه‌ی مالکی می گفت: مدتی نزد جعفر بن محمد رفت و آمد می کردم، او را همواره در یکی از سه حالت دیدم: یا نماز می خواند یا روزه بود و یا قرآن تلاوت می کرد، و هرگز او را ندیدم که بدون وضو حدیث نقل کند. [۴] در علم و عبادت و پرهیزگاری، برتر از جعفر بن محمد، هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است [۵]. شیخ «مفید» می نویسد: به قدری علوم از آن حضرت نقل شده که زبانزد مردم گشته و آوازه‌ی آن همه جا پخش شده است و از هیچ یک از افراد خاندان او، به اندازه‌ی او علم و دانش نقل نشده است [۶]. «ابن حجر هیثمی» می نویسد: به قدری علوم از او نقل شده که زبانزد مردم گشته و آوازه‌ی آن، همه جا پخش شده است و بزرگترین پیشوایان (فقه و حدیث) مانند: یحیی بن سعید، ابن جریج، مالک، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، ابوحنیفه، شعبه و ایوب سجستانی از او نقل روایت کرده‌اند [۷]. [صفحه ۴۰۹]

دانشگاه بزرگ جعفری

امام صادق علیه السلام با توجه به فرصت مناسب سیاسی که بوجود آمده بود، و با ملاحظه نیاز شدید جامعه و آمادگی زمینه‌ی اجتماعی، دنباله‌ی نهضت علمی و فرهنگی پدرش امام باقر علیه السلام را گرفت و حوزه‌ی وسیع علمی و دانشگاه بزرگی به وجود آورد و در رشته‌های مختلف علوم عقلی و نقلی آن روز، شاگردان بزرگ و برجسته‌ای همچون: هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مؤمن طاق، مفضل بن عمر، جابر بن حیان و... تربیت کرد که تعداد آنها را بالغ بر چهار هزار نفر نوشته‌اند. [۸]. هر یک از این شاگردان شخصیت‌های بزرگ علمی و چهره‌های درخشانی بودند که خدمات بزرگی انجام دادند.

گروهی از آنان دارای آثار علمی و شاگردان متعددی بودند. به عنوان نمونه «هشام بن حکم» سی و یک جلد کتاب [۹] نوشته و «جابر بن حیان» نیز بیش از دویست جلد کتاب [۱۰] در زمینه‌ی علوم گوناگون بخصوص رشته‌های عقلی و طبیعی و شیمی (که آن روز کیمیا نامیده می‌شد) تصنیف کرده بود که به همین خاطر، به عنوان پدر علم شیمی مشهور شده است. کتابهای جابر بن حیان به زبانهای گوناگون اروپایی در قرون وسطی ترجمه گردید و نویسندگان تاریخ علوم همگی از او به عظمت یاد می‌کنند. [صفحه ۴۱۰]

رساله‌ی توحید مفضل

چنانکه اشاره شد امام صادق علیه‌السلام با دانشمندان آن روز، در علوم طبیعی بحثهایی نمود و رازهای نهفته‌ای را باز کرد که برای دانشمندان امروز نیز مایه‌ی اعجاب است. گواه روشن این امر (گذشته از آموزش جابر) توحید مفضل است که امام آن را ظرف چهار روز املا کرد و «مفضل بن عمر کوفی» نوشت و به نام کتاب «توحید مفضل» شهرت یافت. مفضل خود در مقدمه‌ی رساله می‌گوید: روزی هنگام غروب در مسجد پیامبر نشسته بودم و در عظمت پیامبر و آنچه خداوند از شرف و فضیلت و... به آن حضرت عطا کرده می‌اندیشیدم. در این فکر بودم که ناگاه «ابن ابی العوجاء»، که یکی از زندیقان آن زمان بود، وارد شد و در جایی که من سخن او را می‌شنیدم نشست. پس از آن یکی از دوستانش نیز رسید و نزدیک او نشست. این دو، مطالبی درباره‌ی پیامبر اسلام بیان داشتند... آنگاه ابن ابی العوجاء گفت: نام محمد را، که عقل من در آن حیران است و فکر من در کار او درمانده است، واگذار و در اصلی که محمد آورده است سخن بگو. در این هنگام سخن از آفریدگار جهان به میان آوردند و حرف را به جایی رساندند که جهان را خالق و مدبری نیست، بلکه همه چیز خود به خود از طبیعت پدید آمده است و پیوسته چنین بوده و چنین خواهد بود. مفضل می‌گوید: چون این سخنان واهی را از آن دور مانده از رحمت خدا شنیدم، از شدت خشم نتوانستم خودداری کنم و گفتم: ای دشمن خدا، ملحد شدی و پروردگاری را که تو را به نیکوترین ترکیب آفریده، و از حالات گوناگون گذرانده و به این حد رسانده است، انکار کردی! اگر در خود اندیشه کنی و به [صفحه ۴۱۱] درک خود رجوع نمایی، دلائل پروردگار را در وجود خود خواهی یافت و خواهی دید که شواهد وجود خدا و قدرت او، و نشان علم و حکمتش در تو آشکار و روشن است. ابن ابی العوجاء گفت: «ای مرد، اگر تو از متکلمانی (مساوی با کسانی که از مباحث اعتقادی آگاهی داشتند و در بحث و جدل ورزیده بودند) با تو، به روش آنان سخن بگویم، اگر ما را محکوم ساختی ما از تو پیروی می‌کنم؛ و اگر از آنان نیستی سخن گفتن با تو سودی ندارد؛ و اگر از یاران جعفر بن محمد صادق هستی، او خود با ما چنین سخن نمی‌گوید و این گونه با ما مناظره نمی‌کند. او از سخنان ما بیش از آنچه تو شنیدی بارها شنیده ولی دشنام نداده است و در بحث بین ما و او از حد و ادب بیرون نرفته است، او آرام بردبار و متین و خردمند است و هرگز خشم و سفاهت بر او چیره نمی‌شود، سخنان و دلائل ما را می‌شنود تا آنکه هر چه در دل داریم بر زبان می‌آوریم، گمان می‌کنیم بر او پیروز شده‌ایم، آنگاه با کمترین سخن دلائل ما را باطل می‌سازد و با کوتاهترین کلام، حجت را بر ما تمام می‌کند چنانکه نمی‌توانیم پاسخ دهیم، اینک اگر تو از پیروان او هستی، چنانکه شایسته‌ی اوست، با ما سخن بگو». من اندوهناک از مسجد بیرون آمدم و در حالی که در باب ابتلای اسلام و مسلمانان به کفر این ملحدان و شبهات آنان در انکار آفریدگار فکر می‌کردم، به حضور سرورم امام صادق علیه‌السلام رسیدم. امام چون مرا افسرده و اندوهگین یافت، پرسید: تو را چه شده است؟ من سخنان آن دهریان را به عرض امام رساندم، امام فرمود: «برای تو از حکمت آفریدگار در آفرینش جهان و حیوانات و درندگان و حشرات و مرغان و هر جاننداری از انسان و چهارپایان و گیاهان و درختان میوه‌دار و بی‌میوه و گیاهان [صفحه ۴۱۲] خوردنی و غیر خوردنی بیان خواهیم کرد، چنانکه عبرت گیرندگان از آن عبرت گیرند و بر معرفت مؤمنان افزوده شود و ملحدان و کافران در آن حیران بمانند. بامداد فردا نزد ما بیا...». به دنبال این بیان امام، مفضل چهار روز پیپی به محضر امام

رسید. امام بیاناتی پیرامون آفرینش انسان از آغاز خلقت و نیروهای ظاهری و باطنی و صفات فطری وی و در خلقت اعضا و جوارح انسان، و آفرینش انواع حیوانات و نیز آفرینش آسمان و زمین و... و فلسفه‌ی آفات و مباحث دیگر ایراد فرمود و مفضل نوشت. [۱۱] رساله‌ی توحید مفضل بارها به صورت مستقل چاپ و توسط مرحوم علامه‌ی مجلسی و برخی دیگر از دانشمندان معاصر به فارسی ترجمه شده است.

وسعت دانشگاه امام صادق

امام صادق علیه‌السلام با تمام جریانهای فکری و عقیدتی آن روز برخورد کرد و موضع اسلام و تشیع را در برابر آنها روشن ساخته برتری بینش اسلام را ثابت نمود. شاگردان دانشگاه امام صادق علیه‌السلام منحصر به شیعیان نبود، بلکه از پیروان خلفاء نیز از مکتب آن حضرت برخوردار می‌شدند. پیشوایان مشهور اهل سنت، بلاواسطه یا باواسطه، شاگرد امام بوده‌اند. در رأس پیشوایان، «ابوحنیفه» قرار دارد که دو سال شاگرد امام بوده است. او این دو سال را پایه‌ی علوم و دانش خود معرفی می‌کند و می‌گوید: «لولا السنن [صفحه ۴۱۳] لهلك نعمان»؛ اگر آن دو سال نبود، «نعمان» هلاک می‌شد. [۱۲]. شاگردان امام از نقاط مختلف همچون کوفه، بصره، واسط، حجاز و امثال اینها و نیز از قبائل گوناگون مانند: بنی‌اسد، مخارق، طی، سلیم، غطفان، ازد، خزاعه، خثعم، مخزوم، بنی‌ضیه، قریش بویژه بنی‌حارث بن عبدالمطلب و بنی‌الحسن بودند که به مکتب آن حضرت می‌پیوستند [۱۳]. در وسعت دانشگاه امام همین قدر بس که «حسن بن علی بن زیاد و شاء» که از شاگردان امام رضا علیه‌السلام و از محدثان بزرگ بوده (و طبعا سالها پس از امام صادق علیه‌السلام زندگی می‌کرده)، می‌گفت: در مسجد کوفه نهصد نفر استاد حدیث مشاهده کردم که همگی از جعفر بن محمد حدیث نقل می‌کردند. [۱۴]. به گفته‌ی «ابن حجر عسقلانی» فقها و محدثانی همچون: شعبه، سفیان، ثوری، سفیان بن عیینه، مالک، ابن جریج، ابوحنیفه، پسر وی موسی، وهیب بن خالد، قطان، ابوعاصم، و گروه انبوه دیگر، از آن حضرت حدیث نقل کرده‌اند. [۱۵]. «یافعی» می‌نویسد: او سخنان نفیسی در علم توحید و رشته‌های دیگر دارد. شاگرد او، «جابر بن حیان»، کتابی شامل هزار ورق که پانصد رساله را دربر داشت، تألیف کرد. [۱۶]. امام صادق علیه‌السلام هر یک از شاگردان خود را در رشته‌ای که با ذوق و قریحه‌ی او [صفحه ۴۱۴] سازگار بود، تشویق و تعلیم می‌نمود و در نتیجه، هر کدام از آنها در یک یا دو رشته از علوم مانند: حدیث، تفسیر، علم کلام، و امثال اینها تخصص پیدا می‌کردند [۱۷].

مناظره‌ی امام صادق با ابوحنیفه

چنانچه قبلا اشاره شد، عصر امام صادق علیه‌السلام عصر برخورد اندیشه‌ها و پیدایش فرق و مذاهب مختلف بود و در اثر برخورد فرهنگ و معارف اسلامی با فلسفه‌ها و عقاید و آرای فلاسفه و دانشمندان یونان، شبهات و اشکالات گوناگونی پدید آمده بود، از این رو امام صادق علیه‌السلام جهت معرفی اسلام و مبانی تشیع، مناظرات متعدد و پرهیجانی با سران و پیروان این فرقه‌ها و مسلکها داشت و طی آنها با استدلالهای متین و منطق استوار، پوچی عقاید آنان و برتری مکتب اسلام را ثابت می‌کرد. از میان مناظرات گوناگون امام، به عنوان نمونه، مناظره‌ی آن حضرت را با «ابوحنیفه» پیشوای فرقه‌ی حنفی، از نظر خوانندگان محترم می‌گذرانیم: روزی ابوحنیفه برای ملاقات با امام صادق علیه‌السلام به خانه‌ی امام آمد و اجازه‌ی ملاقات خواست. امام اجازه نداد. ابوحنیفه می‌گوید: دم در، مقداری توقف کردم تا اینکه عده‌ای از مردم کوفه آمدند، و اجازه‌ی ملاقات خواستند. امام به آنها اجازه داد. من هم با آنها داخل خانه شدم، وقتی به حضورش رسیدم گفتم: شایسته است که شما نماینده‌ای به کوفه بفرستید و مردم آن سامان را از ناسزا گفتن به اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم نهی کنید، بیش از ده هزار نفر در این شهر به یاران [صفحه ۴۱۵] پیامبر ناسزا می‌گویند. امام فرمود: - مردم از من نمی‌پذیرند. - چگونه ممکن است سخن شما را نپذیرند، در صورتی که شما فرزند پیامبر

خدا هستید؟ - تو خود یکی از همانهایی هستی که گوش به حرف من نمی دهی. مگر بدون اجازه‌ی من داخل خانه نشدی، و بدون اینکه بگویم نشست، و بی اجازه شروع به سخن گفتن نمودی؟ آنگاه فرمود: - شنیده‌ام که تو بر اساس قیاس [۱۸] فتوا می دهی؟ - آری. - وای بر تو! اولین کسی که بر این اساس نظر داد شیطان بود؛ وقتی که خداوند به او دستور داد به آدم سجده کند، گفت: «من سجده نمی کنم، زیرا که مرا از آتش آفریدی و او را از خاک و آتش گرامی تر از خاک است». (سپس امام برای اثبات بطلان «قیاس»، مواردی از قوانین اسلام را که بر خلاف این اصل است، ذکر کرد و فرمود: - به نظر تو کشتن کسی به ناحق مهمتر است، یا زنا؟ - کشتن کسی به ناحق. - بنابراین اگر عمل کردن به قیاس صحیح باشد پس چرا برای اثبات قتل، دو شاهد کافی است، ولی برای ثابت نمودن زنا چهار گواه لازم است؟ آیا این قانون اسلام با قیاس توافق دارد؟ [صفحه ۴۱۶] - نه. - بول کثیف تر است یا منی؟ - بول. - پس چرا خداوند در مورد اول مردم را به وضو امر کرده، ولی در مورد دوم دستور داده غسل کنند؟ آیا این حکم با قیاس توافق دارد؟ - نه. - نماز مهمتر است یا روزه؟ - نماز. - پس چرا بر زن حائض قضای روزه واجب است، ولی قضای نماز واجب نیست؟ آیا این حکم با قیاس توافق دارد؟ - نه. - آیا زن ضعیف تر است یا مرد؟ - زن. - پس چرا ارث مرد دو برابر ارث زن است؟ آیا این حکم با قیاس سازگار است؟ - نه. - چرا خداوند دستور داده است که اگر کسی ده درهم سرقت کرد، دستش قطع شود، در صورتی که اگر کسی دست کسی را قطع کند، دیه‌ی آن پانصد درهم است؟ آیا این با قیاس سازگار است؟ - نه. - شنیده‌ام که این آیه را: (در روز قیامت به طور حتم از نعمتها سؤال [صفحه ۴۱۷] می شوید) [۱۹] چنین تفسیر می کنی که: خداوند مردم را در مورد غذاهای لذیذ و آبهای خنک که در فصل تابستان می خورند، مؤاخذه می کند. - درست است، من این آیه را این طور معنا کرده‌ام. - اگر شخصی تو را به خانه اش دعوت کند و با غذاهای لذیذ و آب خنکی از تو پذیرایی کند، و بعد به خاطر این پذیرایی بر تو منت گذارد، درباره‌ی چنین کسی چگونه قضاوت می کنی؟ - می گویم آدم بخیلی است. - آیا خداوند بخیل است (تا اینکه روز قیامت در مورد غذاهایی که به ما داده، ما را مورد مؤاخذه قرار دهد)؟ پس مقصود از نعمت‌هایی که قرآن می گوید انسان درباره‌ی آن مؤاخذه می شود، چیست؟ - مقصود، نعمت دوستی ما خاندان رسالت است [۲۰].

دو نمونه از الطاف امام جعفر صادق

۱. ابی بصیر می گوید: یک نفر گناهکار که ما از گناه او به تنگ آمده بودیم، همسایه‌ی ما بود و هر چه به او نصیحت می کردیم، اثر نمی کرد. در سفری که می خواستم به مدینه بروم، نزد من آمد و گفت: «بابصیر انا رجل مبتلی و انت المعافی فلو عرفتنی لصاحبک رجوت ان یستغفرنی الله بک...». یعنی: من مردی مبتلا به گناه و ترک آن برایم مشکل است. تو به خودت [صفحه ۴۱۸] نگاه نکن که از شیطان رهانیده شده‌ای، حال مرا به امام صادق علیه السلام بگو، شاید آن حضرت برایم فکری کند. من قضیه را خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم. حضرت فرمود: سلام مرا به او برسان و بگو اگر گناه را ترک کنی، من بهشت را برایت ضامن می شوم. ابی بصیر می گوید: چون برگشتم آن مرد به دیدنم آمد، من سلام و پیام امام علیه السلام را به او گفتم و او به شدت منقلب شد، گفت: تو را به خدا چنین فرمود؟ من سوگند یاد کردم که چنین فرمود. چند روز بعد که به دیدنش رفتم او را در حال مرگ دیدم، چشم باز کرد و گفت: امام صادق علیه السلام به ضمانت خود وفا کرد. سال بعد در مدینه به منزل امام رفتم هنوز وارد اتاق نشده بودم که فرمود: بابصیر، من به ضمانت خود عمل کردم [۲۱]. ۲. نظیر این قضیه نیز از بابصیر نقل شده است که گفت: یکی از عمال بنی امیه را خدمت امام صادق علیه السلام بردم که توبه کند حضرت گله کرد و فرمود: «اگر مردم در اطراف بنی امیه گرد نیامده بودند، و آنان را یاری نمی کردند آنان نمی توانستند حق ما را غصب کنند». سپس فرمودند: هر چه بگویم انجام می دهی؟ آن مرد لحظه‌ای صبر کرد و قبول کرد که آنچه امام علیه السلام می گوید انجام دهد. حضرت فرمود: همه‌ی اموالت را صدقه بده، من هم ضامن بهشت می شوم. ابی بصیر می گوید: چند روزی نگذشته بود که دخترش را دنبال من فرستاد، چون رفتم دیدم آنچه داشته

صدقه داده است، به طوری که پیراهنی هم به تن ندارد! پیراهنی برای او تهیه کردم و چند روزی نگذشت که وقتی در حال مرگ بود، به بالین او رفتم به من گفت: امام علیه‌السلام به وعده‌ی خود عمل کرد. دوباره خدمت امام علیه‌السلام رسیدم و هنوز وارد اتاق نشده بودم که فرمود: ابابصیر ما به وعده‌ی خود [صفحه ۴۱۹] وفا کردیم [۲۲].

شهادت آن حضرت

آن حضرت در روز ۲۵ شوال و یا نیمه‌ی رجب سال ۱۴۸ در مدینه منوره و به سم منصور دوانیقی به شهادت رسید، سن مبارک آن حضرت ۶۵ سال و به قولی ۶۸ سال بوده است. همچنین مدت امامت ایشان ۳۴ سال و به قولی ۳۶ سال بوده است.

فرزندان امام صادق

آن حضرت ده فرزند داشته است: (۱) اسماعیل (۲) عبدالله (۳) ام‌فروه که مادر اینها فاطمه دختر حسین بن علی بن حسین بوده. (۴) موسی (۵) اسحاق (۶) محمد که این سه مادرشان کنیزی بوده. (۷) عباس (۸) علی (۹) اسماء (۱۰) فاطمه که مادر هر یک از این چهار تن یکی از کنیزان حضرت بوده است [۲۳].

از سخنان آن حضرت

(۱) «مع الثبوت تكون السلامة و مع العجلة تكون الندامة و من ابتدأ بعمل فی غیر وقته كان بلوغه فی غیر حینه» [۲۴]. یعنی: سلامت در تأمل و تأنی است و با عجله ندامت و پشیمانی است و کسی [صفحه ۴۲۰] که شروع کند به امری در غیر وقتش، خواهد بود رسیدن او در غیر وقتش. (۲) «الرغبة فی الدنيا تورث الغم و الحزن، و الزهد فی الدنيا راحة القلب، و البدن» [۲۵]. یعنی: دل بستگی به دنیا مایه‌ی غم و اندوه و بی‌علاقگی و بی‌رغبتی به دنیا موجب آسایش جسم و جان است. (۳) «انما يأمر بالمعروف و ينهی عن المنکر من كانت فيه ثلاث خصال: عالم بما يأمر عالم بما ينهی، عادل فيما يأمر عادل فيما ينهی، رفيق بما يأمر، رفيق بما ينهی» [۲۶]. یعنی: تنها آن کس شایسته است امر به معروف و نهی از منکر کند که دارای سه خصلت باشد: در مورد آنچه که بدان امر می‌کند و یا از آن نهی می‌نماید آگاه باشد امر و نهی را با عدالت انجام دهد، امر و نهی که می‌کند با نرمش و مدارا توأم باشد. (۴) «فوت الحاجة خیر من طلبها من غیر اهلها، و اشد من المصيبة سوء الخلق منها» [۲۷]. یعنی: از دست رفتن و برآورده نشدن حاجت بهتر از آن است که آن را از نااهل درخواست کنی، و سخت‌تر از خود مصیبت آن است که هنگام ورودش به بدخلقی دچار گردی. (۵) «صلاح حال التعایش و التعاشر ملء مکیال: ثلثة الفطنة و ثلثة التغافل» [۲۸]. یعنی: شایسته زندگی کردن مردم با یکدیگر و شایسته همزیستی آنها با هم، پر پیمانه‌ای است که دو سومش هوشیاری و یک سومش نادیده گرفتن و چشم‌پوشی است. (۶) «و سأله رجل ان یعلمه ما ینال به خیر الدنيا و الآخرة و لا یطول علیه، فقال: لا تکذب» [۲۹]. [صفحه ۴۲۱] یعنی: مردی از آن حضرت خواست که چیزی به وی بیاموزد که بدان به سود دنیا و آخرت دست یابد و در عین حال جمله‌ای کوتاه و مختصر باشد، حضرت به وی فرمود: دروغ مگو. (۷) «الدین غم باللیل و ذل بالنهار» [۳۰]. یعنی: بدهکاری اندوه شب است و خواری و ذلت روز. (۸) «برو آبائکم بیرکم ابنائکم، و عفو عن نساء الناس تعف نساءکم» [۳۱]. یعنی: با پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان با شما نیکی کنند، و با زنان مردم پاکدامن باشید تا زنانتان پاکدامن باشند. (۹) «احب اخوانی الی من اهدی الی عیوبی» [۳۲]. یعنی: محبوبترین دوستانم کسی است که عیوبم را هدیه‌ام کند. (۱۰) «ثلاث لم یجعل الله لاحد من الناس فیہ رخصة: بر الوالدین برین کانا او فاجرین و وفاء بالعهد للبر و الفاجر، و اداء الامانة الی البر و الفاجر» [۳۳]. یعنی: سه چیز است که خداوند برای هیچ کس در آنها رخصتی نداده (و استثنایی قائل نشده) خوش رفتاری با پدر و مادر نیک باشند یا بد، وفاء به عهد خواه طرف مقابل خوب باشد یا بد، و پرداخت امانت خواه

صاحب امانت نیک باشد یا بد. ۱۱) «من بركة المرأة خفة مؤنتها و تيسر ولادتها، و من شئومها شدة مؤنتها و تعسير ولادتها» [۳۴]. یعنی: کم‌خرجی و آسان‌زایی از برکت زن، و سنگینی مخارج و هزینه، و [صفحه ۴۲۲] دشوارزایی از شومی اوست. ۱۲) «السراق ثلاثة: مانع الزكاة، و مستحل مهوور النساء و كذلك من استدان و لم ينوقضاه» [۳۵]. دزدان سه طایفه‌اند: آنانکه از پرداخت زکات بخل می‌ورزند، کسانی که خوردن و به غارت بردن مهر زن را حلال می‌دانند، و مردمی که قرض می‌گیرند و خیال ادای آن را ندارند. ۱۳) «اقدر الذنوب ثلاثة: قتل البهمة و حبس مهر المرأة، و منع الاجير أجره» [۳۶]. یعنی: پلیدترین گناه قتل نفس، خودداری از پرداخت مهر، و نپرداختن اجرت مزدور است. ۱۴) «غسل الاناء و كنس الفناء مجلبة للرزق» [۳۷]. یعنی: شستن ظرفها، و جارو کردن آستانه خانه، باعث جلب رزق است. ۱۵) «ليس شيء اضر لقلب المؤمن من كثرة الاكل و هي مورثة شيئين قسوة القلب، و هيجان الشهوة» [۳۸]. یعنی: چیزی برای قلب مؤمن زیانبارتر از پرخوری نیست، پرخوری موجب دو چیز است: سنگدلی، هيجان شهوت. ۱۶) «صلاة الليل مرضاة للرب و حب الملائكة و سنة الانبياء و نور المعرفة و اصل الايمان و راحة الابدان و كراهية الشيطان و سلاح على الاعداء و اجابة للدعاء و قبول للاعمال و بركة في الرزق و شفيع بين صاحبها و بين ملك الموت و سراج في قبره و فراش [صفحه ۴۲۳] من تحت جنبيه و جواب منكر و نكير و مونس و زائر في قبره» [۳۹]. نماز شب: ۱) سبب خوشنودی پروردگار، ۲) دوستی فرشتگان، ۳) سیره‌ی پیامبران، ۴) نور معرفت، ۵) پایه ایمان، ۶) آسایش بدن، ۷) ناخوش داشتن شیطان، ۸) سلاحی به روی دشمنان، ۹) مایه برآورده شدن دعاء، ۱۰) پذیرش اعمال بندگان، ۱۱) برکت روزی [آنان]، ۱۲) شفاعت کننده بین نمازگزار و فرشته مرگ، ۱۳) چراغی در قبر او، ۱۴) بستری در زیر پهلوهایش، ۱۵) پاسخ منکر و نكير، ۱۶) همدم و زیارت کننده‌ی وی در قبرش می‌باشد. حضرت موسی: «قال موسى عليه السلام: الهی اريد قربك، قال: قربی لمن استيقظ ليلة القدر قال: الهی اريد رحمتك، قال: رحمتی لمن رحم المساكين ليلة القدر، قال: الهی اريد الجواز على الصراط قال: ذلك لمن تصدق بصدقة في ليلة القدر، قال: الهی اريد من اشجار الجنة و ثمرها، قال: ذلك لمن سبح تسبیحا في ليلة القدر، قال: الهی اريد النجاة من النار، قال: ذلك لمن استغفر في ليلة القدر، قال: الهی اريد رضاك، قال: رضای لمن صلى ركعتين في ليلة القدر» [۴۰]. موسی علیه‌السلام [به خدا] عرض کرد: خدایا می‌خواهم به تو نزدیک شوم. فرمود: قرب من برای کسی است که شب قدر بیدار باشد. گفت: خدایا! رحمت را می‌خواهم. فرمود: رحمت از آن کسی است که در شب قدر به مسکینان رحمت کند [و به آنها کمک نماید] گفت: خدایا! جواز گذشتن از پل صراط را می‌خواهم. فرمود: آن از آن کسی است که در شب قدر صدقه‌ای بدهد. گفت: خدایا! از درختان و میوه‌های بهشتی می‌خواهم. فرمود: آنها برای کسی است که در شب قدر مرا به پاکی یاد کند. گفت: خدایا! رهایی از آتش جهنم را می‌خواهم. فرمود: آن برای کسی است که [از گناهانش] در شب قدر استغفار کند. گفت: خدایا! [صفحه ۴۲۴] خوشنودی تو را می‌خواهم. فرمود: خوشنودی من از آن کسی است که در شب قدر دو رکعت نماز بخواند. چشم‌چرانی: ۱۷) امام صادق علیه‌السلام فرمود: حضرت عیسی به اصحابش گفت: «ایاکم و النظرة فانها تزرع في القلب الشهوة، و كفى بها لصاحبها فتنة، طوبى لمن جعل بصره في قلبه و لم يجعل بصره في عينه». [۴۱]. یعنی: برحذر باشید از نگاه آلوده، که در زمین قلب میل به حرام می‌کارد، و برای نظرانداز فتنة ایجاد می‌کند، خوشا به حال کسی که دیده‌اش را در دل قرار داده، و دیده‌ی سر را برای امور لازم قرار داده. ۱۸) «اذا هم احدکم بخیر او صلۀ فان عن یمینه و شماله شیطانین فلیبادر لا یکفاه عن ذلک». [۴۲]. یعنی: هر گاه یکی از شما تصمیم انجام کار خیر یا رساندن نفعی [به کسی] بگیرد، دو شیطان در راست و چپ او قرار می‌گیرند [تا منصرفش سازند]، پس باید شتاب کند تا مبادا او را از آن بازدارند. ۱۹) «اذا اتهم المؤمن اخاه انماث الايمان من قلبه کما ينماث الملح في الماء» [۴۳]. یعنی: هر گاه مؤمن به برادرش تهمت بزند ایمان در قلبش از بین می‌رود، همان گونه که نمک در آب ناپدید می‌شود. ۲۰) «اذا اتهم المؤمن اخاه في دینه فلا حرمة بينهما» [۴۴]. یعنی: هر گاه مؤمنی برادرش را در دینش متهم سازد، دیگر حرمتی بین آن دو باقی نمی‌ماند (پرده‌داری می‌شود).

باورقی

- [۱] منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۲۱.
- [۲] ذهبی، شمس‌الدین، محمد، تذکره الحفاظ، بیروت داراحیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۱۶۶.
- [۳] مجلسی، بحارالانوار، ط ۲، تهران، المكتبة الاسلامیة، ۱۳۹۵ هـ ق، ج ۴۷، ص ۲۱۷؛ حیدر، اسد، الامام الصادق و المذاهب الأربعة، ط ۲، بیروت، دارالكتاب العربی، ۱۳۹۰ هـ ق، ج ۴، ص ۳۳۵.
- [۴] ابن حجر العسقلانی، تهذیب التهذیب، ط ۱، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ هـ ق، ج ۱، ص ۸۸.
- [۵] حیدر، اسد، همان کتاب، ج ۱، ص ۵۳.
- [۶] الارشاد، قم، منشورات مکتبه بصیرتی، ص ۲۷۰.
- [۷] الصواعق المحرقة، ط ۲، قاهره، مکتبه القاهره، ۱۳۸۵ هـ ق، ص ۲۰۱؛ سیره‌ی پیشوایان، ص ۳۵۱ - ۳۵۰.
- [۸] شیخ مفید، الارشاد، قم، مکتبه بصیرتی، ص ۲۷۱، حیدر، اسد، همان کتاب، ج ۱، ص ۶۹.
- [۹] صفائی، سید احمد، هشام بن حکم مدافع حریم ولایت، تهران، نشر آفاق، ط ۲، ۱۳۵۹ هـ ش، ص ۱۹؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ط ۱، بیروت، مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات ۱۴۰۶ هـ ق، ص ۲۲۹؛ طبرسی، اعلام الوری به اعلام الهدی، ط ۳، منشورات المکتبه الاسلامیة، ص ۲۸۴.]
- [۱۰] ابن ندیم در کتاب «الفهرست» بیش از دویست و بیست جلد کتاب به جابر نسبت داده است. «الفهرست، قاهره، المکتبه التجاریه الکبری، ص ۵۱۷ - ۵۱۲».
- [۱۱] توحید مفضل، ترجمه‌ی علامه مجلسی، تهران، کتابخانه‌ی صدر، ص ۱۱ - ۷ و ر. ک به: پیشوای ششم حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام، مؤسسه‌ی در راه حق، ص ۵۸ - ۴۷.
- [۱۲] حیدر، اسد، همان کتاب، ج ۱، ص ۷۰، اسم ابوحنیفه نعمان بن ثابت بوده است.
- [۱۳] حیدر، اسد، همان کتاب، ص ۳۸.
- [۱۴] نجاشی، فهرست مصنفی الشیعه، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین، ص ۳۹ و ۴۰.
- [۱۵] تهذیب التهذیب، ط ۱، بیروت دارالفکر، ۱۴۰۴ هـ ق، ج ۱، ص ۸۸.
- [۱۶] مرآة الجنان، ط ۲، بیروت، مؤسسه‌ی الأعلمی، ۱۳۹۰ هـ ق، ج ۲، ص ۳۰۴.
- [۱۷] سیره‌ی پیشوایان، ص ۳۶۰ - ۳۵۶.
- [۱۸] قیاس عبارت است از این که حکمی را خداوند برای موردی بیان نموده باشد و بدون اینکه وجود علت آن حکم در مورد دیگری شناخته گردد، در مورد دوم هم جاری گردد.
- [۱۹] [لتسئلن یومئذ عن النعیم] (سوره‌ی تکوین: ۸).
- [۲۰] بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۲۲؛ مناظره درباره‌ی مسائل ایدئولوژیکی، محمدی ری شهری، قم، انتشارات دارالفکر، ص ۱۳۲ - ۱۳۰؛ سیره‌ی پیشوایان، ص ۳۶۵ - ۳۶۳.
- [۲۱] محجۀ البیضاء، مولی محسن، کاشانی، دفتر انتشارات اسلامی، الطبعة الثانية، ج ۴، ص ۲۶۳.
- [۲۲] بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۳۸.
- [۲۳] بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۴۱؛ اعیان الشیعه و لغت‌نامه‌ی دهخدا.

- [۲۴] تحف العقول، ص ۲۶۳ و ۲۶۴.
- [۲۵] همان، ترجمه احمد جنتی، ص ۴۱۵، ح ۱۰.
- [۲۶] همان، ص ۴۱۶، ح ۱۹.
- [۲۷] تحف العقول، ص ۴۱۷، ح ۲۶.
- [۲۸] همان، ص ۴۱۶، ح ۲۲.
- [۲۹] همان، ص ۴۱۷، ح ۲۷.
- [۳۰] همان، ص ۴۱۷، ح ۲۹.
- [۳۱] همان، ص ۴۱۷، ح ۳۱.
- [۳۲] همان، ص ۴۲۶، ح ۸۹.
- [۳۳] همان، ص ۴۲۷، ح ۹۵.
- [۳۴] بحار، ج ۱۰۳، ص ۳۴۷، به نقل نظام خانواده در اسلام، ص ۱۴۸.
- [۳۵] بحار، چاپ مؤسسه‌ی وفاء بیروت، ج ۱۰۰ ص ۳۴۹ به نقل...، ص ۱۹۵.
- [۳۶] همان.
- [۳۷] میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۹۳.
- [۳۸] میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۱۸ - ۱۱۷.
- [۳۹] بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۵۳.
- [۴۰] مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۰.
- [۴۱] بحار، ج ۷۸، ص ۲۸۴.
- [۴۲] اصول کافی، ج ۴، ص ۴۲۷.
- [۴۳] اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۱.
- [۴۴] امالی صدوق، ص ۲۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید
 بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی
 آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در
 دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه
 الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن
 خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

(الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

(ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

(ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

(د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

(ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

(و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

(ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

(ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱) ۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گام‌ها



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید .

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹